

محسن وزیری مقدم (۱۳۰۳-۱۳۹۷ش)

محسن وزیری مقدم، نقاش، مجسمه‌ساز، مدرس و هنری‌نویس ایرانی، از پیشگامان هنر انتزاعی در ایران به شمار می‌آید و با آموزش‌ها و نوشته‌هایش سهمی چشمگیر در معرفی هنر مدرن در ایران داشته است.

وزیری در نقاشی‌های اولیه‌اش مانند منظره، تک‌چهره و طبیعت بی‌جان، از ونگوگ، ماتیس، و کوبیست‌ها تأثیر گرفته و در دوره‌ای هم سنت‌های تصویری ایرانی را مبنای کار خود قرار داده است. او بعدها تحت تأثیر جنبش «آرت انفورمِل» (Art Informel) یک سلسله نقاشی انتزاعی تک‌فام با خطوط ریتمیک پدید آورد که ادامه آن به ترکیب‌بندی‌های شنی انجامید. خطوط و علائم سیاه و سرخ شنی که با حرکت انگشتان دست نقاش بر سطح بوم پدیدار شد، نویدبخش گذر هنرمند به فراسوی آرت انفورمِل بود.

وزیری پس از بازگشت به ایران تجربه دیگری را در قالب نقش‌برجسته‌های مقوایی، پلاستیکی و فلزی شروع کرد و در آنها به مسائلی چون ساختمان فضا، نظم ریتمیک، فرم‌های نواری و جلوه‌های نور و حرکت روی سطوح برجسته و فرورفته پرداخت؛ سپس به مجسمه‌سازی روی آورد. او در این باره چنین نوشته است: «با بهره‌گیری از نقش‌برجسته‌های فلزی اقدام به ساختن مجسمه‌های چوبی کردم. نوارهای فلزی را رها کردم و برش‌های چوبی بین آنها را مبنای کار قرار دادم. در آغاز، برش‌های چوب با زوایای نود درجه کنار هم چسبانده شدند؛ گاه چوب خالص، گاه رنگی با قوس‌ها و حفره‌ها. تحول منطقی این مجسمه‌های بی‌حرکت مرا به ساختن مجسمه‌های مفصلی هدایت کرد... به جای آنکه برش‌های چوب را به هم بچسبانم، با پیچ و مهره به یکدیگر متصل کردم و مثل مفاصل بدن انسان امکان باز و بسته شدن به آنها دادم...»

وزیری از اواسط دهه ۱۳۵۰، به تجربه در سطح دوبعدی بازمی‌گردد؛ نقاشی‌های رنگینی که از اشکال آرگانیک و هندسی، همچنین خطوط متوازی و متقاطع تشکیل یافته است. او هم‌زمان با تبدیل این نقاشی‌ها به نقش‌برجسته‌هایی مفصلی، دوره دیگری از کندوکاو در مسائل حرکت، فضا و زمان را آغاز می‌کند. در بعضی از نقش‌برجسته‌ها و نقاشی‌ها، شکل نرم و لطیف پرنده‌ای گریزان در برابر فرم‌های مُضَرَس (دندان‌دار) و مهاجم ظاهر می‌شود. وزیری در دو دهه آخر زندگی خود، مجموعه‌ای متنوع از نقاشی و کلاژ انتزاعی در ابعاد نسبتاً کوچک پدید آورد. گویی او در سفری به گذشته از منزلگاه‌های نقاشی شنی و نقش‌برجسته‌ها می‌گذشت تا زوایای دیگری از قلمرو انتزاعی خود را بکاود و چیزی تازه کشف کند.

منبع

پاکباز، رویین، (۱۳۹۵)، *دائرةالمعارف هنر*، ج ۲، تهران: فرهنگ معاصر، صص ۱۵۸۱-۱۵۸۲.